

The Emergence of National Cinemas

سینما

سینمای ملی فرانسه

بخش نخست

تقدیس نوشته: یادداشت‌های کشیش دهکده

۱۹۵۱ از روبر بروسون

Le Journal d'un curé
de campagne

Keith A. Reader



موضوعی چون رستگاری یا تنهایی یا تنهایی نسبت به خود را از مفهوم واقعیت می‌باید نه برعکس»

از ژان لاکرو

سال ۱۹۴۷ صوت گرفته خود برناتو این اقتباس را رد کرد. رتق در اقتباس خود شخصیت‌هایی را که در توصیف دیدگاه برناتو از جهان مدرنی بودند محو کرد. او گنروزی خاص را جایگزین شورش درونی و همه چیز موقر است را جایگزین همه چیز قدسی استه کرد به این شکل به روح رمان برناتو حیثیت کرد Estève 1983 تلاش براکسبرگر Bruckberger برای تمثیل که ماچرا را به حوزه مقاومت هم به اقتباس موفقیت نینجامید. از سوی دیگر اقتباسی بروسون را هم تهیه‌کننده فیلم Union General Cinematograph راگرد از این رو ساخت فیلم تا ۱۹۵۰ که تهیه‌کننده حاضر به سرمایه‌گذاری شد به تعیین هتاک که نتیجه فیلم حاضر بود.

ژان لاکرو Jean Lacroix کیفیت خاص وفاداری بروسون به متن، وفاداری که در نوشته رمان دارد را این‌طور توصیف می‌کند: «سبقت خیره‌کننده فیلم بروسون، از مطابقت کامل آن با متن بروسون ناشی می‌شود. فیلم وفاداری به شکل موهوم به رمان، نیست. وفاداری از طریق حذف عناصر ریتمی و اجتماعی و تمرکز روی درامی روحی Spiritual پدید آمد. برناتو رمان برناتو روی جزئیات حسنی با اجتماعی در فیلم بروسون مورد تأکید قرار گرفته یک‌ساز رنگ شده بروسون صحنه‌های زیادی از رمان را فیلمبرداری کرد اما در نمونه حذف کرد. از جمله صحنه‌هایی که کشیش را در

هیچ اقتباسی از آثار مهم ادبی برای سینما به پای مداخلات کشیش محکم بروسون که از رمان ژرژ برناتو Georges Bernano برگرفته شده نمی‌رسد. فیلم بروسون چندان به مفاهیم اصلی اقتباس که همچنان در تئوری و سینما رعایت می‌شوند پایبند نیست. دور انداختن بسیاری از عناصر متن نوشتاری وفاداری و سواست‌آمیز مذهبی به آن چه باقی‌مانده، سانگی فیلمبرداری و تئوری از به کارگیری هنرپیشه‌های مشهور در فضای سینمای فرانس. به سال‌های ۱۹۴۵ و سال‌های قبل از آن تکرار دهنده است. از این رو یادداشت‌های... به دلیل شرایط تاریخی که در آن شکل گرفته است و در مفاهیم درون‌متنی خود، تحولی در سینمای با کیفیت آن دوران ایجاد می‌کند.

ژان آرتش Jean Aurenche و پل بوست Paul Boast، تم فیلم‌های سینمایی بودند که فیلم‌های پرهیجان و پرمخاطب آن دوره چون symphonie ha le Diable au corps و Pastorale را با کارگردانی چون ژان دلونی Jean Delannoy و هنرپیشگان مشهور و پرمخاطب چون میشل مورگان Michelle Morgan و ژرار فیلیپ Gerard Philippe تدارک می‌دیدند. فیلم بروسون متضاد با همه این عوامل قرار می‌گیرد. این تضاد هنگامی مشهورتر می‌شود که بدانیم اولین اقتباس فیلم یادداشت‌ها توسط ژان آرتش در

حال تعامل با مراسم مذهبی نشان می‌دهد، یا صحنه‌هایی که توصیف رمان از دهکده Ambriocourt را به تصویر می‌کشند. این صحنه‌ها در تدوین نهایی کاملاً حذف شدند.

اما این به این معنی نیست که بگوئیم سادگی مرتاضانه اسلوب فیلم آن را به اثری دراماتیزه تبدیل کرده، برعکس، صدای آرام کار باغبان که برگ‌ها را جمع می‌کند، یا صدای قلم کشیش وقتی روی کاغذ حرکت می‌کند و صدای افتادن بطری شراب روی زمین به اندازه هر تصویر بصری تکان‌دهنده است. چنان‌که برسون بارها اشاره کرده: وقتی می‌توان صدا را جایگزین تصویر کرد، یا باید تصویر را کات کرد یا خنثی. گوش بصری درون می‌برد، چشم بصری بیرون.



که با زحمت بسیار و بدون صدای همراهی‌کننده روایت می‌نویسد، گوئی جسم او در مرز ناپدید شدن قرار گرفته است. به این ترتیب بدن کشیش، و بدن مسیح (که بر صلیب خالی، نیست) در صحنه اوج فیلم ناپدید شده‌اند یا حضور ندارند. یعنی وسیله قدرتمند خودشناسی کشیش، یعنی نوشته‌های کشیش، او را به درک تصویر واقعی خودش ناقل کرده، گوئی او را تبدیل به مسیح کرده‌اند این تبدیل شدن به مسیح در صحنه‌های زیادی از فیلم مورد تأکید قرار می‌گیرد (مثلاً جاتی که Séraphin، چهره خسته کشیش را با دستمال خود پاک می‌کند) و در خیاب کشیش و مسیح هر دو به اوج می‌رسد.

از سوی دیگر می‌بایست به نفرت برسون نسبت به هنرپیشه‌های حرفه‌ای و بی‌اعتقادی او در مورد روان‌شناسی اشاره کرد. او می‌گوید: «آن‌چه در مورد هنرپیشه‌ها مهم است، این نیست که چه چیزی به من نشان می‌دهند، این است که چه چیزهایی را از من مخفی می‌کنند» اشاره برسون نشان می‌دهد «هرکه هنرپیشه‌ها از نقش خودشان چقدر بی‌ربط است تأکید برسون روی تجربه‌های پیشین و شخصی هنرپیشه‌ها فعالیت او را در سازگردانی، شیشه تکنیک‌های استانیسلاوسکی Stanislavsky یا آکتور استودیو Actors' Studio می‌کند. اما «روش» برسون به کلی متفاوت است. برای او روان‌شناسی بین سطح و روح، بین ماده و جان فاصله می‌نماید، زیرا تلاش می‌کند چیزی را توصیف کند که تنها می‌توان آن را نشان داد. باز می‌توان در این‌جا ملین روتکاووی لاکتی و تصاد او با عقلانی کردن و مادی کردن و فریادها، زبانی را باز دید.

ژان سمولو Jean Sémoulot فیلم با حقیقت‌انگیزی کلی رمان در تقسیم به سه بخش ناسازی می‌دهد که به تنهایی کشیش نظر دارند. تنهایی ناشی از بیماری که در جنبه‌های روحی و اجتماعی زندگی او تأثیر گذارده، روستای Ambriocourt محیطی شبیه یک جامعه نشان داده نمی‌شود و سخن کشیش در مورد اولین جامعه دینی که او را هضم کرده، حقیقتی نوستالژیک می‌باشد. البته بیماری کشیش هیچ‌گاه بیماری جسمی به نظر نمی‌رسد. اشاره کشیش به تنها غذایی که می‌خورد نان و شراب است بهترین تکیه واضح است.

یل شرایدر Yl Shraider فیلم‌ساز متفحس فیلم‌ها «راندته تاسی» و «گاو خشمگین» فیلم‌هایی که به شدت از برسون متأثرند. هنگامی که درباره Travis Bickel و رقص تاسی با بازی درخشان رابرت دنیرویی که تنها با نان و شراب زردآلو زندگی می‌کند، کاملاً به این نکته اشاره می‌کند. او Travis را کشیش جوانی از نوع دیگر می‌داند، که چون کشیش جوان برسون از اترارحی روحی رنج می‌برد.

خونی که کشیش در وضعیت مسیحیت‌پارش از صت می‌دهد، بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود تا بالاخره به پایان می‌رسد. و نکته مهم این است که این کار بدون جالب دلسوزی صورت می‌گیرد نکته مهم بیش‌تر رنج کشیدن کشیش است تا جالب ترجم نسبت به او.

□

صداها واقع‌گرایانه هستند، اما آن واقع‌گرایی دقیقاً همان چیزی است که در آن‌ها کیفیت عرفانی را آشکار می‌کند. از این‌رو می‌توان خود فیلم را به‌عنوان عنصری مقدس تلقی کرده، نشان بیرونی یک کیفیت روحانی درونی، به یک دسترس است. - سوسوری توجه کنید. رابطه حال و صدای رابطه‌ای دو سوره است. به اصطلاح زبان‌شناسی اگر سوز مقدس سوز زبانی باشد، زبان هم سوزی مقدس است.

روایت فیلم که در صحنه‌های مربوط به خاطره نویسی، هنگامی که دست کشیش مشغول نوشتن متن است، با صدای او دنبال می‌شود، نمونه کامل بروز و شکل‌گیری این حالت مقدس‌مانده در فیلم است. اما رابطه صدا و تصویر در این فیلم کاملاً پررنگ و دو سوره است. چون صحنه‌های خاطره نویسی تضمین‌پذیری درباره این امر را با صدا اول می‌آید یا تصویر و تأکید بر کادربک است را کاملاً نامسکن می‌سازند.

اولین جمله‌ای که می‌بینیم و می‌شنویم: فکر نمی‌کنم با نوشتن روز به روز ساده‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین اسرار یک‌جور زندگی کاملاً معمولی، مرتکب اشتباه بشوم. کاملاً از زبان کسی است که با خود می‌اندیشد صدا اسطوره سرچشمه خود را به وسیله آن‌چه می‌گوید و به وسیله اثر نوشته روی کاغذ می‌نویسد از بین می‌برد. تقدس نوشته برای برسون، چون دره‌ها، به متلاذم یک حضور نمی‌تواند. گرافیکی‌ترین بیان این نسخون تصویر نهایی فیلم است - یک صلیب خالی فضای صحنه را پر می‌کند و دوست کشیش Dutréty آخرین کلمات او را پیش از مرگ تکرار می‌کند: همه چیز نیست ایک (لاکین: Tout est grad) آخرین صحنه مربوط به دخترچه خاطرات، دقیقاً پیش از این صحنه، کشیش را نشان می‌دهد